

عبد الوهاب فرید

در اعلام داخل دولت  
کتابت و کتابت  
کتابت و کتابت  
کتابت و کتابت

علامه مجاهد، تحت داند مستطاب آقای سید محمود طالقانی ادام الله ظله  
 در تصب تکلف برنگ که حضور عالی در حضرت امین مخابره کرده اند، اینک همین تقدم و صلح  
 و ارادت، مبنایست علامه قیصر طریقه به بقاء و حفظ در امر موفقیست بهرست امره کونی  
 دارد، لازم دانستم ترابست زیر را بعرض برسانم که در صورت اوقضا از طرفم حضرت امین  
 یعنی دام ظلّه نیز گرفته اند: ۱- امید میداند این موفقیست بزراگه که نصب ملت ایوان  
 شده، هر چند عامل مهمش ماسعی کنگ نامیزد به حضرت امین الله یعنی در حضرت تعالی بود  
 ولی به تدریه کرده های دیگری هم در این نهاد مقدس لایحه دارم که معنی باستی نادر برده گرفته  
 برای اینکه راه خیال تصب شخصی و هر گونه اعمال مختلفه و مصالح فرقه ای بکلی در تیره افتد و آنکه  
 معموله، پس از رسیدن به هدف مشترک، بکوشش کنند، و این مصلحت همگانی  
 تا برقراری کامل و تثبیت این اثر مقدس، کاملاً ملحوظ شود، لازم بود از سایر کرده ها، از کارگر  
 دانشگاهیان، مجامع و غیره و غیره نظری در در شورای انقذاب بهر جهت موفقیست  
 دارد، که نشانه در نتیجه کرده های که واقعا در این نهاد مقدس فداکاری کرده اند، از  
 از اینکه در این وضع نادر برده گرفته اند، عدم رضایتشان از هم اکنون دارد بر ملاحظه که ملاحظت  
 قوی نخواهد داشت، هدف است در این باره تکرار شود  
 ۲- حضرت امین در پاسخ بزرگوارها مکرر ما اعلام فرمودند: که در رژیم بعدی ستم فقط ارشاد  
 و راهنمایی است، البتّه طبق موازین اسلامی جز اینها نباید باشد، بنابراین لازم بود - لاف  
 برای لفظ ظاهر - تحت در زیر ملاحظت از طرف شورای انقذاب بهر جهت موفقیست، و  
 تحت در زیر، و در برابر شورای انقذاب بعدی بکنند، و اعلام بهر حال مربوط به اصل مملکتی  
 بنام شورای اعلام و منتشر گردد و سرود انقذاب بنام مجامع در تحت انقذاب  
 در راه بود و بجز سرود در کرد که اتفاقاً بر طرف استظار تمام اینها از طرف امین الله  
 و بنام اعلام مبارکشان انجام شده؛ همانگونه که در رژیمهای سلطنتی و یا جمهوری در رژیمهای  
 از طرف شاه و یا رئیس جمهور نباشد، انجام میشود، و در رژیم امین که اینگونه کارها فقط  
 در رژیم سلطنتی و در رژیم جمهوری است، تعالی بکنیم تا سینه مقام شایخ فقیه در بر اسلامی باشد

عبد الوهاب فرید

افزون ارضی و سماوی بنام امیر المومنین علی بن ابی طالب

ما درم صلوات بر او باد

۱۳۸۱/۱۱/۲۸

البتة باید توجه داشت که مادر حضرت امام علی علیه السلام بر نبوی که فرامین مملکتی را بطوریکه امام علی علیه السلام  
 صادر میکرد، ایشان بصیبه من لفظ میبایستی که اعلی در باره لفظ منظم و شیبانی  
 در وقت صورت صادر میکردند، نه در مسائل جزئی که از وظایف تحت نوبت  
 مردم آگاهان روزی از گونه کارها را که بوی گش برستی میرسد هیچ عیبی نیست  
 عهد میدادند که عامل امام این انقذ بقدرت ایشانند، دیگر نباید با تان من استن و چنان  
 گمراه کننده فرصت داده شود که در برابر اولیاد و تنان در صحن و تماشای منجی گشته  
 و عکس تراست در سائل ارتباط همگفتگوش . پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کمال طهارت انصافی  
 المصحح فانما انما علیه الله فقولوا له الله در باره این پنج ایشان بقای از رسول اکرم، این توضیح  
 در باره سالی میگرددند، لکن مبتدیان در راههای میگرددند  
 حضرت امیر الله و حضرت عالی کامله توجه دارید که در بین روحانیون آتانی من  
 سردی در فخر و جاه و ثواب کم و بیش وجود دارد، از این رو چنانچه من اعلی ای  
 از آنان را بطوریکه در علم و شری و مردم صراحت دهند . در این باره مطالبی  
 در سینه و وقتی از نزدیک مشاهده می نمودم که فقط با بر از تانف اکتفا میکنم

۳- روایتی در حدیث آمده که در فخر و شایع شده بود که عکس امام هفتمی در ماه  
 صفتش، ایشان بزرگ میبایستی در باره بطول این بنده از افعال در میند و کتبا  
 اعلی ای صادر میگرددند که تا سفا نه نگرددند . همانگونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم  
 سینه ای بگرفته شدن مادر یا آفتاب است بوقت فرزند است ابواهم کردند، کتبا  
 و بزرگ بطولش را در سینه اعلی نمود . این سائل بجز این چند چیزی است که با تری بوقیت  
 و وضعیت دنیا در دم عصر حاضر خوب است آثار بسیاری بزرگ آماره ای عرق قابل میزان  
 لهذا میدانند در این نزدکوات بجز لفظ مصالح عالی السلام و حفظ مقام شایسته در اوردن کتبا  
 نظری ندارند، خودشان کامله بوقیت که در وقت بیستم در سال عیاد تا هندی پیش چه بهتر در اینجا که  
 کو کوشش عکس و بینه و مصارره الی الی بود از ناخیز رضایان دزد و سرزد در دین شرفش تو بلام  
 که در سالی ۱۷ و ۱۸ در آن عصر سالی تا حدی که میگویم دورید و جدی از انوشی من کتبا که در  
 در خانه عین مکتبه لفظ بوقیت و مقام از بدست آوردن بی شکر است